

مبانی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری از جرایم جهانی شده

محمد بارانی*

چکیده

با تسخیر زمان و مکان توسط بشر و به دنبال آن ظهور پدیده جهانی‌شدن جرم، فرصت‌های جدید بزهکاری با ماهیت جهانی نیز به وجود آمد. جرایم جهانی‌شده با انگیزه سودجویانه و خشونت‌آمیز و به صورت سازمان‌یافته در سرتاسر دنیا رخ می‌دهد و با هدف قراردادن کرامت و امنیت انسانی و حق‌های بنیادین بشری، امنیت جهانی را تهدید و حق برخورداری از امنیت را از انسان‌ها سلب می‌کند. دولت‌ها نیز به‌تنهایی و بدون توسل به اتحاد و اجماع جهانی، قادر به پیشگیری از این جرایم نیستند. گرایش دولت‌ها بر اساس رهنمودهای سازمان ملل متحد به رویکردهای پیشگیری، موجب شد تا به منظور شناسایی و تبیین مبانی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها و رویکرد آن‌ها در پیشگیری از جرایم جهانی‌شده، به این تحقیق پرداخته شود.

این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفته است و تجزیه و تحلیل اطلاعات کسب‌شده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محقق از منابع و متون خواهد بود. نتایج تحقیق حاکی از این است که مبانی تعهدات دولت‌ها در حوزه پیشگیری از جرایم جهانی‌شده، طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که از لزوم حفظ کرامت انسانی، موازین حقوق بشر، حفظ حیات بشری، توسعه پایدار، عضویت در جامعه بین‌المللی، امنیت انسانی تا لزوم جهانی‌سازی پیشگیری در قبال جهانی‌شدن جرم و دفع تهدیدات جدید علیه امنیت و نظام جهانی، متنوع و گسترده‌اند. پیشگیری از این جرایم، مستلزم جهانی‌اندیشیدن و جهانی - ملی عمل کردن است.

واژگان کلیدی

تعهدات بین‌المللی، جرایم جهانی‌شده، پیشگیری از جرم، جهانی‌شدن، جهانی‌سازی، امنیت انسانی، حقوق بشر، دولت

جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حقوق بشر، جهانی شدن و ظهور برخی جرایم جدید را به دنبال داشته است که صلح و امنیت بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است.

جهانی شدن جرم، به دنبال فرایند جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ و سیاست و گسترش روزافزون اطلاعات و ارتباطات و تسخیر زمان و مکان به دست بشر، اتفاق افتاده است. جهانی شدن، فرصت‌های جدیدی برای بزهداران بالقوه و بالفعل ایجاد کرده، به این ترتیب که جهانی شدن اندیشه جرم، «فرصت‌های جدیدی برای ارتکاب جرم» و «ظهور جرایم جدید» به وجود آورده است.^(۱)

جلوه‌های نوینی از جرایم، تحت عنوان «جرایم جهانی شده» شامل جرایم با انگیزه سودجویانه مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق اشخاص، قاچاق اعضای بدن، تطهیر درآمدها و سرمایه‌های نامشروع (پول شویی) و فساد مالی از یک سو و جرایم خشونت‌آمیز (تروریستی) در شکل خرابکاری، انفجار و گروگان‌گیری از سوی دیگر، در کنار جرایم محلی، ملی و بین‌المللی ظاهر شده‌اند.^(۲) دولت‌ها تحت تأثیر آثار زیان‌بار این جرایم متقاعد شده‌اند که در نگرش‌های سنتی مقابله با جرایم تجدیدنظر نمایند.

بر همین اساس امروزه، «حقوق پیشگیری، بخش مهمی از قلمرو سیاست جنایی سازمان ملل را تشکیل می‌دهد»،^(۳) به گونه‌ای که با مطالعه مصوبات کمیسیون پیشگیری از جرم و کنگره‌های پنج‌سالانه پیشگیری از جرم و رویه عملی دولت‌ها متأثر از رهنمودهای سازمان ملل، مشخص می‌شود که جامعه بین‌المللی و از جمله دولت‌ها نیز پی‌برده‌اند که جهانی شدن ناخواسته این جرایم، جهانی سازی پیشگیری را بر اساس تعامل آگاهانه بین‌المللی ایجاب می‌کند. جلوه‌های درک این ضرورت انسانی را می‌توان در کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه جرم سازمان یافته فراملی و پروتکل‌های الحاقی آن، کنوانسیون مبارزه با فساد، کنوانسیون مواد مخدر و روان‌گردان و کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های متعددی در زمینه پیشگیری و مبارزه با این جرایم جهانی شده از جمله تروریسم، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اعضای بدن آن‌ها، پول شویی و فساد مالی به وضوح مشاهده کرد.

سؤال این پژوهش این است که مبنای گرایش دولت‌ها به تعهدات پیشگیری از جرایم جهانی شده چیست و چرا دولت‌ها حاضر شده‌اند با تحدید حاکمیت خود، تن به پذیرش تعهداتی بدهند که آنان را به «احترام»، «تضمین» و «ایفای» تعهدات پیشگیرانه رهنمون می‌سازد؟ بنابراین تلاش نگارنده، یافتن مبنای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری از جرایم جهانی شده است.

در این مقاله تلاش شده است ابتدا تحت عنوان مفهوم‌شناسی، واژه‌های پیشگیری از جرم، جرایم جهانی شده، جرم بین‌المللی، عرف بین‌المللی، جرایم سازمان یافته فراملی و تعهدات بین‌المللی تعریف شوند. سپس ضرورت

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، **جرم‌شناسی جهانی شدن جرم**، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۹۱، دانشگاه مفید، صص ۳۹-۴۰. قابل دسترسی در سایت: آزمون آن لاین (lawtest.ir).

۲. همان، صص ۳۹-۴۱.

۳. علی حسین نجفی ابرندآبادی، **سیاست جنایی سازمان ملل متحد**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ویژه، ۱۳۷۵، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۲۱.

حفظ امنیت جهانی (مبنای سیاسی)، تضمین حق‌های بشری (مبنای حقوق بشری)، عضویت در جامعه جهانی (مبنای حقوقی)، امنیت انسانی (مبنای انسانی) و جهانی‌شدن جرم و پیشگیری از آن (مبنای جرم‌شناختی) به‌عنوان مبانی اساسی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری از جرایم جهانی‌شده مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. پیشگیری از جرم^(۴)

پیشگیری در معنای عام، عبارت است از تمامی اقداماتی که از وقوع بزه جلوگیری می‌کند. به عقیده شرمز، هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده، می‌تواند پیشگیرانه قلمداد شود.^(۵) بر مبنای این تعریف، عده‌ای پیشگیری را اعم از پیشگیری کیفری (پیشگیری از جرم از طریق اعمال مجازات‌ها) و پیشگیری غیرکیفری دانسته‌اند.

استاد گسن با نقد سرکوبی و غیرپیشگیرانه‌دانستن آن، پیشگیری را در معنایی خاص تعریف می‌کند. به نظر ایشان پیشگیری به مجموعه اقدامات غیرکیفری گفته می‌شود که هدف غایی آن منحصرأ یا به‌صورت جزئی، محدودکردن دامنه ارتکاب جرم و غیرممکن‌ساختن، دشوار و کم‌کردن احتمال وقوع جرم باشد.^(۶)

به‌موجب اصول راهنمای سازمان ملل متحد، منظور از پیشگیری عبارت است از مجموعه راهبردها و تدابیر ناظر بر کاهش خطر بزهکاری و اثرات زیان‌باری که ممکن است روی اشخاص و جامعه داشته باشد همراه با مقابله با عوامل مختلف ایجادکننده آن.^(۷)

۱-۲. جرایم جهانی‌شده^(۸)

ظهور هر واژه، بیانگر این است که واژه‌های پیشین، قادر به تبیین و توصیف شرایط جدید نیستند و ضروری است واژه‌های نوینی برای توضیح وضعیت جدید ابداع و به‌کار گرفته شوند.^(۹) ازجمله این واژگان، واژه «جهانی‌شدن» و به‌دنبال آن، عبارت «جهانی‌شدن جرم» است. تبیین مفهوم «جهانی‌شدن جرم» مستلزم شناخت مفهوم جهانی‌شدن است.

جهانی‌شدن در مفاهیم گوناگونی به‌کار گرفته شده است، از جمله در معنای: (۱) آزادسازی؛^(۱۰) درحالی که این واژه به معنای برداشتن موانع و محدودیت‌های دولتی از مبادلات بین کشورها است. (۲) غربی‌شدن.^(۱۱) این تعبیر

4. Crime prevention

۵. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، **مباحثی در علوم جنایی** (تقریرات)، ویراست هفتم، به کوشش شهرام ابراهیمی، ص ۱۲۲۸. قابل دسترسی در سایت: آزمون آن لاین (lawtest.ir)، ۱۳۸۷.

۶. همان، ص ۱۲۲۹.

۷. شهرام ابراهیمی، **اصول راهبردی سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم**، مجله *تعالی حقوقی*، ش ۵، ۱۳۸۵، ص ۴۰.

8. Globalized crimes

۹. محمدعلی ناجی‌راد، **جهانی‌شدن تروریسم**، نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱.

10. Liberalization

11. Westernization

بیشتر از سوی دولتمردان و نظریه‌پردازان آمریکایی و اروپایی به صورت آشکار و پنهان به کار گرفته می‌شود. به همین دلیل است که منتقدان لیبرالیسم نیز آن را به همین معنا تفسیر کرده و به کار می‌برند. (۳) جهانی‌سازی؛^(۱۲) که معنای مهندسی، طراحی و تدوین برنامه‌ها و الگوهای از پیش تعیین شده و تحمیل آن به سایر ملل جهان است. (۴) بین‌المللی‌شدن.^(۱۳) این کلمه به معنای وابستگی متقابل و تعاملات فرامرزی بین کشورها است. (۵) قلمروزدایی.^(۱۴) در این معنا، بر اساس تغییرات جغرافیایی، مرزها و فواصل جغرافیایی اهمیت پیشین خود را از دست داده‌اند.^(۱۵)

این پژوهش بر اساس مفهوم اخیر از جهانی‌شدن استوار است که به موجب آن، جهانی‌شدن، فرایند افزایش ارتباطات بین جوامع است، به‌گونه‌ای که وقایع و تحولات یک گوشه از جهان به‌طور فزاینده‌ای بر کل جهان تأثیر می‌گذارد مانند جرایم تروریستی، قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم جهانی‌شده.

بنابراین بهترین تعریف منطبق با این رویکرد، تعریف آنتونی گینز است. بر اساس این تعریف، «جهانی‌شدن را می‌توان به‌مثابه افزایش و تقویت روابط اجتماعی در گستره جهان تعریف کرد که مناطق جغرافیایی دور از هم را به‌گونه‌ای به یکدیگر مرتبط می‌سازد که رویدادهای واقع شده در یک نقطه بر اتفاقات منطقه‌ای دیگر که در فاصله‌ای بسیار دور واقع شده است، اثر می‌گذارد و برعکس».^(۱۶)

مهم‌ترین حوزه مطالعه حقوق کیفری، جرم است که در فرایند جهانی‌شدن دچار تغییر و تحول شده و شکل و ماهیت آن دگرگون شده است. جهانی‌شدن چه به‌عنوان برنامه از پیش تعیین شده و چه به‌عنوان فرایند، راه را برای بزهکاری فراملی هموار کرده و به‌ویژه به مدد فناوری نوین ارتباطات، منجر به پویایی بیشتر این نوع جرایم شده است.^(۱۷)

افزایش تعاملات منطقه‌ای و جهانی میان دولت‌های مختلف، شرکت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات گوناگون، موجب شده است که آثار جرم، محدود به مرزهای کشور محل وقوع نباشد. از این رو برخی جرایم ملی، رویکرد جهانی به خود گرفته یا در شکل‌های نوین خود ظهور پیدا کرده‌اند که از آن‌ها تحت‌عنوان جرایم جهانی شده یاد می‌شود. مراد از جرم جهانی^(۱۸) (جرایم جهانی‌شده)، جرمی است که نظم جهانی و به تبع آن، نظم ملی را دچار اختلال می‌نماید. به‌عبارت‌دیگر، این‌گونه جرایم، زمان و مکان خاصی نمی‌شناسد، مرزهای ملی را درنوردیده و به‌سرعت جنبه‌های فراملی به خود می‌گیرد. جرم جهانی، «پدیده جدیدی است که عمیقاً اقتصاد ملی و بین‌المللی، سیاست، امنیت و در نهایت، جوامع بزرگ را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد».^(۱۹)

12. Universalization

13. Internationalization

14. Deterritorialization

۱۵. همان، ص ۱۶۲.

۱۶. همان، صص ۱۶۲-۱۶۳.

۱۷. احمد احمدی، جهانی‌شدن جرم و تغییر استراتژی نظام‌های حقوق کیفری ملی، دائرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، کتاب دوم)، میزان، ۱۳۹۲، ص ۶۳۹.

18. N. Forbord and D. Gaon, "Igor, For Sale: Women and Children", 2005, Trafford Publishing, p. 34.

به نقل از احمدی، پیشین، صص ۶۴۱-۶۴۰.

19. Global crime

جهانی شدن بر تغییر ماهیت جرایم تأثیرگذار است، به گونه‌ای که سازمان‌یافتگی، پیچیدگی در وقوع و فرامرزى بودن، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های جرم جهانی به‌شمار می‌روند. سازمان‌یافتگی به‌عنوان یکی از صفات جرم جهانی ذاتاً یک صفت ایجابی و مثبت است. از نظر ویژگی‌های ساختاری، جرم‌های جهانی غالباً با مشخصاتی همچون عدم تمرکز، انعطاف‌پذیری، قابلیت‌انطباق، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و گستردگی شبکه توصیف می‌شود.^(۲۰)

توسل توأمان به خشونت و تزویر، یکی دیگر از خصیصه‌های جرم جهانی است که به این لحاظ، کشف آن را مشکل می‌سازد. قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، فساد مالی، تروریسم و پول‌شویی از این جمله‌اند.^(۲۱) جرایم جهانی شده، خصیصه محلی و ملی ندارند و محصول تحولات اخیر جامعه بشری‌اند و افزون بر فرامرزى بودن و سازمان‌یافتگی، دارای مرتکبین چند ملیتی نیز هستند.

ماهیت و ساختار این جرایم، جهانی است و عنصر جهانی بودن همراه جرم است. بنابراین متفاوت از جرایمی است که یک عنصرش خارجی بوده و مشمول حقوق جزای بین‌الملل می‌شود. این جرایم در عین حال با جرایم بین‌المللی که در حقوق بین‌الملل کیفری مطالعه می‌شود و نظم بین‌المللی را خدشه‌دار می‌کند (نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری است) نیز متفاوت است.^(۲۲) تفاوت این جرایم با جرایم سازمان‌یافته، یکی در انگیزه ارتکاب (سودجویانه و خشونت‌آمیز) و دیگری در ماهیت جهانی آن‌ها است. ویژگی‌های جرایم جهانی شده^(۲۳) را می‌توان به شرح زیر جمع‌بندی کرد:

(الف) خصیصه محلی و ملی ندارند. در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا به‌عنوان جرم پیش‌بینی شده‌اند.

(ب) با جهانی شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ رابطه تنگاتنگ دارند و آن‌ها را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند.

(پ) اجماع بین‌المللی عرفی و معاهده‌ای بر جرم‌انگاری این جرایم وجود دارد.

(ت) تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی و امنیت انسانی محسوب می‌شوند.

(ث) کرامت انسانی را هدف گرفته‌اند و مانعی جدی برای تضمین حقوق بشرند.

(ج) سازمان‌یافتگی، پیچیدگی در ارتکاب و فرامرزى بودن.

(چ) دولت‌ها به تنهایی قادر به مبارزه علیه این جرایم نیستند. پیشگیری و مقابله با آن‌ها مستلزم هماهنگ‌سازی

سیاست جنایی کشورها با یکدیگر است.

به نظر می‌رسد جرایم قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، فساد مالی، تروریسم و پول‌شویی از این ویژگی‌ها

برخوردارند. بنابراین در اینجا از آن‌ها به‌عنوان جرایم جهانی شده یاد می‌شود.

20. E. Rotman, "The Globalization of Criminal Violence", 2001, *Cornell Journal of Law and Public Policy*, p. 5.

به نقل از احمدی، پیشین، ص ۶۴

۲۱. همان، ص ۶۴۱

۲۲. نجفی ابرندآبادی، **جرم‌شناسی ...**، پیشین، صص ۷۶.

۲۳. با توجه به جدید بودن این اصطلاح در این مقاله تلاش شده است تا با توجه به گفتمان حاکم بر «جهانی شدن جرم» ویژگی‌هایی برای این نوع جرایم تعریف و احصا شود.

۱-۳. جرم بین‌المللی (۲۴)

به‌طور کلی جرایم بین‌المللی، ویژگی‌های دارند که صرفاً در رابطه با مباشر جرم و قربانی خاص خود به‌وقوع می‌پیوندند و مشمول رژیم پرداخت غرامت و جبران خسارت می‌شوند. (۲۵) جرم بین‌المللی، عملی مخالف حقوق بین‌الملل است که جامعه بین‌المللی بر اساس عرف یا معاهدات، آن را جرم شناخته است. بنابراین هیچ عمل یا خودداری از عملی را نمی‌توان جرم بین‌المللی دانست مگر به‌موجب مقررات حقوق بین‌الملل. جرایم بین‌المللی عبارت‌اند از: جنایت نسل‌کشی، جنایات ضدبشریت، جنایات جنگی، جنایت تجاوز. رسیدگی به این جرایم به‌موجب ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در صلاحیت این دیوان قرار دارد.

۱-۴. عرف بین‌المللی (۲۶)

عرف بین‌المللی عبارت است از تکرار اعمال یا رفتار مشابه توسط تابعان حقوق بین‌الملل که به‌تدریج در روابط متقابل آن‌ها با یکدیگر جنبه الزامی و قدرت حقوقی پیدا کرده است و در نتیجه اعتبار و ارزش برابر با قاعده حقوقی مدون دارد. به‌عبارت‌دیگر، عرف در حقوق بین‌الملل، رویه‌ای است که اشخاص ذی‌ربط از آن پیروی می‌کنند زیرا چنین رفتاری را نوعی الزام حقوقی می‌دانند. (۲۷)

در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، عرف بین‌المللی به‌عنوان سند و گواه رویه کلی دولت‌ها به‌عنوان قانون پذیرفته‌شده، تعریف شده است. (۲۸)

۱-۵. جرم سازمان یافته فراملی (۲۹)

جرمی است با ماهیت فراملی که توسط گروهی متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای مدتی فعالیت آن‌ها استمرار دارد، با انگیزه تحصیل منافع مالی و مادی ارتکاب می‌یابد.

۱-۶. تعهدات بین‌المللی (۳۰)

تعهد عبارت است از رابطه حقوقی که به‌موجب آن، شخص یا اشخاص معین، نظر به اقتضای عقد یا شبه‌عقد یا به حکم قانون، ملزم به دادن چیزی یا مکلف به فعل یا ترک‌فعل معینی به نفع شخص یا اشخاص معین می‌شوند. (۳۱)

24. International crime

۲۵. ماری پی‌یر دوپویی، ملاحظاتی پیرامون جرم بین‌المللی دولت، مجله حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه پاریس ۲، ترجمه و تلخیص: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، ش ۱۳، ۱۳۶۹، صص ۴۴۹-۴۸۶.

26. International custom

۲۷. ربکا والاس، حقوق بین‌الملل، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۱۳.

28. I. Brownlie, "Principles of Public International Law", Clarendon Press, Oxford, 1998, p. 4.

29. Transnational organized crimes

30. International obligations

۳۱. محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۷۴، ص ۱۶۶.

تعهدات بین‌المللی ناشی از عرف یا معاهدات بین‌المللی است که دولت‌ها در روابط بین‌المللی خود ملزم به رعایت آن هستند. این تعهدات به تعهدات اولیه ناشی از عرف یا معاهدات بین‌المللی و تعهدات ثانویه ناظر بر پیامدهای نقض یک تعهد بین‌المللی در قالب حقوق مسئولیت دولت‌ها، تقسیم می‌شود.

با وجود این، باید بین تعهدات دولت‌ها نسبت به کل جامعه بین‌المللی و تعهدات دولت‌ها در قبال یکدیگر در چارچوب حمایت دیپلماتیک، تفکیک اساسی قائل شد. تعهدات دسته اول، به لحاظ اهمیت، به کلیه کشورها مربوط می‌شود و نظر به اهمیت این حقوق، کلیه دولت‌ها می‌توانند برای حفظ آن، دارای منفعت حقوقی باشند. به چنین تعهداتی، تعهدات عام‌الشمول^(۳۲) می‌گویند.^(۳۳)

۲. مبانی تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها از جرایم جهانی شده

پرسش اصلی و اساسی راجع به تعهدات دولت‌ها در پیشگیری از جرایم جهانی شده این است که چرا دولت‌ها با وجود اصل «حاکمیت دولت‌ها»، خود را در مقابل جامعه جهانی متعهد به اقدامات سلبی و ایجابی پیشگیری می‌نمایند؟ مبنا و منشأ این تعهدات کجاست؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا ارتباط بین پیشگیری از جرم و واژه امنیت که اخیراً از بسترهای نظامی به موضوعات غیرنظامی گسترش یافته و مفهوم جدیدی از امنیت را به وجود آورده است، بررسی می‌شود (مبنای سیاسی). سپس تلاش خواهد شد تا ربط وثیقی بین احترام و تضمین حق‌های بشری با تعهدات پیشگیری از جرایم برقرار شود زیرا بخش اعظمی از حق‌های بشری از رهگذر اجرای تعهدات پیشگیری توسط دولت‌ها در جامعه جهانی تضمین می‌شود (مبنای حقوق بشری). عضویت در جامعه جهانی به‌عنوان مبنا و منشأ تعهدات پیشگیری نیز بررسی می‌شود (مبنای حقوقی). همچنین، امنیت انسانی به‌عنوان جایگزین امنیت نظامی و حاکمیتی، به‌عنوان مبنایی برای تعهدات پیشگیری، از نظر دور نمانده است (مبنای انسانی) و در نهایت جهانی شدن جرم به‌عنوان مبنای جهانی‌سازی پیشگیری از جرایم جهانی شده، تحلیل خواهد شد (مبنای جرم‌شناختی).

۲-۱. حفظ امنیت جهانی

وقایع ناگواری همچون ۱۱ سپتامبر با تأثیرگذاری بین‌المللی، چشم‌انداز جهانی به مسائل امنیتی را به شدت تغییر داده است. شهروندان، دیگر حمله نظامی را نخستین تهدید علیه خود نمی‌دانند. اعمال تروریستی و جرایم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اعضای بدن آن‌ها، پول‌شویی و فساد، اکنون دیگر دغدغه جهانی شده‌اند. گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته در بسیاری از نقاط جهان، امنیت انسان‌ها را به شدت تهدید می‌کنند. صدها هزار قربانی جرایم سازمان‌یافته را نیز باید به هزاران قربانی تروریسم افزود. مجرمین و تروریست‌های سازمان‌یافته از طریق رشوه‌دادن به سیاستمداران، صاحب‌منصبان دولتی و قضات، پایه‌های دموکراسی و حاکمیت قانون را نشانه گرفته‌اند. آن‌ها با تخریب بنیان سازمان‌های مختلف، مؤسسات دولتی و سازمان‌های مدنی را

32. *Erga omnes*

۳۳. حسینقلی رستم‌زاد، جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی (*Erga omnes*)، مجله حقوقی، ش ۳۳، ۱۳۸۴، ص ۱۴.

تضعیف کرده و فضا را برای اجرا و توسعه برنامه‌های مجرمانه خویش فراهم می‌سازند.^(۳۴)

جهانی‌شدن جرم در واقع، جنبه پنهان و تالی ناخواسته جهانی‌شدن است. با جهانی‌شدن ارتباطات، حذف مرزهای سیاسی و گمرکی، آسان‌شدن رفت‌وآمد میان کشورها و پیشرفت فناوری، مجرمان نیز همانند دولت‌ها و افراد عادی، خود را مجهز به فناوری‌های نوین کرده و از امکانات و فرصت‌های جدیدی که از رهگذر جهانی‌شدن حاصل شده است، به نفع خود استفاده می‌نمایند. در کنار فرایند جهانی‌شدن، یک سلسله جرایم جدیدی به‌وجود آمده است که اقتصاد جهانی و همچنین کرامت انسانی را تهدید می‌کند.^(۳۵) مطالعه این جرایم در مقایسه با مطالعاتی که در خصوص جهانی‌شدن انجام شده، کمتر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است.

فعالیت‌های فراملی (جهانی‌شده) مانند دزدی دریایی، برده‌داری، قاچاق برده و کودکان و زنان برای فحشا، قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان، همگی از طریق هنجارهای قدرتمند جهانی ممنوع شده‌اند. جرایم دیگر، از جمله کشتن گونه‌های در معرض خطر حیوانات، پول‌شویی، فساد و تأمین مالی تروریسم در حال تبدیل‌شدن به موضوع هنجارهای قدرتمند جهانی هستند.^(۳۶)

اجماع جهانی برای جهانی‌شده‌دادن این جرایم، ناشی از تهدیدات جدی و عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان است که با ماهیت غیرانسانی خود، تک‌تک افراد کره زمین را مورد هدف قرار داده است.

در دهه ۱۹۹۰ سوزان استرنج^(۳۷) جرم سازمان‌یافته فراملی را تهدید اصلی برای نظام جهان به‌شمار آورد و اخیراً موسیس نایم^(۳۸) اختلاف بین دولت‌ها و جرم فراملی را «جنگ جدید جهانی‌سازی» تلقی کرده است.^(۳۹)

اگر نظام جهان، در گرو دموکراسی اقتصاد و امنیت دانسته شود، جرایم جهانی برهم‌زننده رابطه آن‌ها خواهد بود زیرا رابطه این سه به‌نحوی است که «بدون دموکراسی، اقتصاد راکد می‌ماند و پویایی خود را از دست می‌دهد. بدون اقتصادی پویا، دموکراسی تهدید می‌شود و بدون امنیت، نه دموکراسی کارآمد تأمین می‌شود و نه اقتصادی کارآمد تضمین خواهد شد».^(۴۰)

به‌عبارت بهتر، جرایم جهانی‌شده، اقتصاد رسمی را به‌خطر می‌اندازد، کرامت انسانی را نقض می‌کند و تهدیدی علیه امنیت جهانی نیز محسوب می‌شود. حقوق کیفری داخلی متعارف در مقابله با این جرایم با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو است. در واقع جرایم جهانی‌شده، حقوق کیفری و به‌طور کلی سیاست جنایی جهانی‌شده‌ای را می‌طلبد.^(۴۱)

34. UN Economic and Social Council, Commission on Crime Prevention and Criminal Justice, Report of the Executive Director on Work of the CICP, Vienna, 16 - 25 April 2002, p. 3.

۳۵. نجفی ابرنآبادی، *جرم‌شناسی ... پیشین*، ص ۴۰.

36. P. Andreas and E. Nadelmann, "Policing The Globe, Criminalization and Crime in International Relations", Oxford University Press, New York, 2006, p. 17.

37. Susan strange

38. Moises naim

39. Ibid, p. 247.

40. B. Janusz, Democracy, Economy and Security, www.csis.org/ee/research

۴۱. نجفی ابرنآبادی، *پیشین*، ص ۱۰.

بر اساس مصوبه ۲۰/۴ کمیسیون پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، جرایم سازمان یافته فراملی به طور متنوعی جهانی شده‌اند و تهدیدی برای سلامتی، امنیت، آسایش، آرامش، نظارت خوب و توسعه دولت‌ها به حساب می‌آیند. همچنین به موجب قطعنامه ۶۵/۲۳۲ مجمع عمومی مورخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۰ با عنوان «تقویت و برنامه پیشگیری از جرایم ملل متحد و عدالت کیفری، مخصوصاً ظرفیت همکاری فنی آن»، نگرانی شدید خود را در مورد تأثیرات منفی این جرایم شامل قاچاق و تجارت انسان‌ها، مواد مخدر و جنگ‌افزارهای کوچک برای هدف قراردادن توسعه، صلح، امنیت و حقوق بشر ابراز و بر ضرورت اجرای جهانی معاهده ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته جهانی و پروتکل‌های آن و اجرای معاهده ملل متحد علیه فساد نیز تأکید کرده است. (۴۲)

در بند ۷ اعلامیه اصول و برنامه‌های اقدام سازمان ملل در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد، بر این نکته تأکید شده است که دموکراسی و کیفیت زندگی، فقط در فضای صلح و آرامش و امنیت همگان شکوفا می‌شود. بزهکاری، تهدید جدیدی علیه ثبات و امنیت محیط است و پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و رعایت حقوق بشر به طور مستقیم به حفظ صلح و آرامش و امنیت منتهی خواهد شد. (۴۳)

سازمان ملل در چند سال اخیر در تحولات مربوط به جهانی‌شدن، نقش برتر را ایفا کرده است. این سازمان در واقع دریافته که علاوه بر تهدیدهای سنتی علیه صلح و آرامش و امنیت بین‌المللی، شکل‌های جدیدی از تهدید از قبیل جرایم سازمان یافته، ارتشا و تروریسم ظهور پیدا کرده است. (۴۴)

بنابراین، هر آنچه جهانی‌شدن را تسهیل می‌کند، جهانی‌شدن بعضی از جرایم را نیز هموار خواهد ساخت. بدین ترتیب، جهانی‌سازی پیشگیری از این جرایم، اجتناب‌ناپذیر است.

اکنون اجماعی جهانی و تعهدی پایدار پدید آمده است که عوامل تهدید علیه امنیت جهان را باید به سرعت از میان برداشت. همچنین مشخص شده است که همکاری بین‌المللی، رمز موفقیت هر تلاشی در این راستا است. باید راه‌هایی یافت که اقشار ضعیف با اقتصاد جهانی، یکپارچه شده و ثروت به شکل عادلانه‌تری بین مردم جهان توزیع شود. عزم و اراده سیاسی برای غلبه بر مشکلات دیرینه در زمینه همکاری‌های بین‌المللی علیه مرتکبان جرایم جهانی شده به خوبی آشکار است. (۴۵)

به همین منظور دولت‌ها مطابق عرف بین‌المللی دیرینه، همواره در تلاش بوده‌اند تا با ایجاد تعهد بین‌المللی برای خود در پیشگیری و مقابله با این جرایم، فعال باشند. امروزه به فراخور جرایم نوظهور، دولت‌ها تحت فشار خواسته‌های ملل جهان، زمینه ظهور بسیاری از رژیم‌های ممنوعیت و جرم‌انگاری جهانی و تعهدات پیشگیرانه را مهیا و ایجاد کرده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حفظ امنیت جهانی، مبنای تعهدات پیشگیری است.

42. United Nations Commission on Crime Prevention and Criminal Justice Report on the Twentieth Session 3 December 2010 and 11 - 15 April 2011) No: 20, 2010 - 2011, p. 42.

۴۳. شهرام ابراهیمی، کنگره‌های پنج سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری - دستاوردها و دورنماها، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، ش ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰.

۴۴. همان، ص ۱۷۱.

45. UN Economic and Social Council, Commission on Crime Prevention and Criminal Justice, Report of the Executive Director on Work of the CICP, above, pp. 3 - 4.

۲-۲. تضمین حقوق بشر

جرایم جهانی شده، مجموعه‌ای از حق‌های بنیادین بشری مانند حق بر امنیت و آرامش، حق حیات، حق کرامت انسانی، حق توسعه و معیشت پایدار را هدف قرار می‌دهند. دولت‌های عضو منشور سازمان ملل متحد نیز متعهد شده‌اند به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی «احترام» بگذارند، آن‌ها را مورد «حمایت» قرار دهند و «اجرای» این حق‌ها را تضمین نمایند. از طرفی در بازتعریف امنیت بین‌المللی، نقض گسترده این حقوق و آزادی‌های بشری، امنیت جهانی بشر را به مخاطره می‌اندازد. سؤال اساسی این است که حمایت و تضمین تعهدات حقوق بشری از چه رهگذری میسر است؟ آیا صرفاً دولت‌ها با اقدامات قهرآمیز و سرکوبگر قادرند امنیت بشری را برقرار و حفظ نمایند؟ یا اینکه با درک درستی از وضعیت جرایم جهانی می‌توان ربط وثیقی بین پیشگیری، حقوق بشر و اجرای مؤثر تعهدات دولت‌ها ایجاد کرد؟ در واقع منشأ تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها در قبال جرایم جهانی شده، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان است.

اصول و هنجارهای حقوق بشر^(۴۶) ناظر بر حقوق اساسی و بنیادینی است که از جمله حقوق ذاتی و با اِبتنای بر کرامت و حیثیت انسان، جزئی از حقوق غیرقابل سلب افراد در مقابل دولت و جامعه به حساب می‌آیند. دولت‌ها نسبت به رعایت و احترام به حقوق مزبور، ملزم و مکلف تلقی شده‌اند.^(۴۷)

حقوق بشر معاصر، نظامی هنجاری است که متضمن حق‌های افراد در برابر دولت است. کارکرد اصلی این نظام هنجاری، محدود کردن قدرت دولت در برابر افراد است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که حق‌های بشری در ارتباط با دولت‌ها ماهیتاً از نوع حق - ادعا بوده و دولت‌ها متعهد به تضمین این حق‌ها برای افراد هستند. به همین دلیل ادبیات حاکم بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با دولت‌ها، ادبیاتی تعهدمدار و نسبت به افراد، ادبیاتی حق‌محور است.^(۴۸)

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی در رابطه با تعهدات دولت‌های عضو بیان می‌دارد: «تعهد کلی دولت‌ها این است که آن‌ها باید به کلیه حقوق میثاق احترام گذاشته و اجرای آن را نسبت به کلیه افراد در قلمرو خود تضمین کنند».^(۴۹)

۴۶. با تدقیق در منشور بین‌المللی حقوق بشر می‌توان حقوق بشر را تحت عنوان نسل‌های سه‌گانه طبقه‌بندی نمود:

منظور از نسل اول حقوق بشر، همان حق‌ها و آزادی‌های سیاسی-مدنی است. حق‌هایی از قبیل آزادی‌های مذهبی، آزادی بیان، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل، حق رأی، آزادی رفت‌وآمد و انتخاب محل اقامت، به این نسل از حقوق بشر تعلق دارد. حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شمار حق‌های نسل دوم حقوق بشر طبقه‌بندی می‌شود. حق‌هایی از قبیل حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش، حق بهره‌مندی از مسکن مناسب، حق برخورداری از مراقبت‌های بهداشتی، حق بر کار، حق بهره‌مندی از حداقل امکانات معیشتی، نمونه‌هایی از این نسل از حقوق بشر است. درحالی‌که نسل اول نوعاً بر عدم‌مداخله دولت و دیگر افراد تأکید دارد، حق‌های نسل دوم مستلزم مداخله و حمایت دولت‌هاست. نسل سوم حقوق بشر، ماهیتی جمع‌گرایانه دارد و حق‌هایی همچون حق بر محیط‌زیست سالم، حق بر صلح یا حق بر توسعه را دربرمی‌گیرد (سیدفاطمی، سیدمحمد قاری، **حقوق بشر در جهان معاصر**؛ دفتر یکم، درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

۴۷. کریستیان تاموشت، **حقوق بشر**، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، میزان، ۱۳۸۶، ص ۳۶.

۴۸. سیدفاطمی، پیشین، ص ۴۱.

اصول مندرج در ماده ۲۶ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات^(۵۰) نیز تأکید می‌کند که دولت‌های عضو موظف‌اند بر تعهدات خود وفادار بمانند. بنابراین دولت‌های عضو باید بر اجرای تعهدات بین‌المللی خود همت بگمارند.

دبیرکل وقت سازمان ملل در بیانات خود در خصوص تدوین میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، هدف عمده از تدوین ماده ۲ میثاق را این‌گونه بیان می‌کند: «هدف عمده از این ماده این است که دولت‌ها نتوانند از ایفای تعهدات حقوق بشری در قلمرو تحت صلاحیت خود امتناع ورزند».^(۵۱)

تعهدات میثاق به‌طور کلی و مطابق ماده ۲ هریک از دولت‌ها را به‌عنوان مجموعه‌ای متشکل از بخش‌های مختلف در نظر می‌گیرد. تمامی بخش‌های دولت (قوای مجریه، قضاییه و مقننه) و دیگر حاکمیت‌های دولتی یا عمومی در سطح ملی، منطقه‌ای یا محلی، مسئول ایفای تعهدات دولت‌های عضو هستند. قوه مجریه که معمولاً نمایانگر دولت عضو در عرصه بین‌المللی است، نمی‌تواند ادعا کند که نقض میثاق توسط دیگر بخش‌های دولت نظیر قوه قضاییه صورت گرفته و به‌این ترتیب خود را از مسئولیت مبرا سازد.^(۵۲)

یکی از اهداف اصلی منشور بین‌المللی حقوق بشر، احترام به حقوق بشر در جهت جلوگیری از به‌خطرافتادن عدالت و صلح جهانی است. این موضوع سبب شده است که منشور ملل متحد در بیش از ۶ ماده به حقوق بشر اشاره کرده و دولت‌ها را به همکاری بین‌المللی و احترام جهانی نسبت به حقوق بشر دعوت نماید.^(۵۳)

سؤال اصلی این است که ارتباط حقوق بشر با جرم و پیشگیری از آن چیست و چگونه می‌توان الزامات حقوق بشری را مبنایی برای توجه و گرایش دولت‌ها به پیشگیری از جرایم جهانی شده تلقی نمود؟ پاسخ این سؤال در گرو توجه به تعهدات دولت‌ها مبنی بر احترام و حمایت از حقوق بشر و چگونگی اجرای آن و وفای به عهد توسط آن‌ها است.

ضرورت حضور در جامعه بین‌المللی ایجاب می‌کند که دولت‌ها در عرصه بین‌المللی به تعهدات قراردادی خود پایبند باشند. عدم‌اجرای تعهدات در واقع به معنای نادیده‌گرفتن قواعد بازی در روابط بین‌المللی است.^(۵۴) بر اساس این تحلیل، تعهد به «احترام»^(۵۵) «حمایت»^(۵۶) و «ایفا»^(۵۷) از یکدیگر متمایز می‌شود. در «تعهد به احترام» دولت موظف به اجتناب از مداخله در آزادی شهروندان است و حال آنکه در «تعهد به حمایت»، مکلف به بازداشتن

۵۰. ماده ۲۶: «هر معاهده لازم‌الاجرای، طرف‌ها را ملزم می‌کند و باید توسط آن‌ها با حسن‌نیت به اجرا درآید».

۵۱. حوریه حسینی اکبرنژاد، اجرای فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۶، ص ۱۰۱، به نقل از: UN Doc. A/2929.ch.v, para. 4 (1955).

52. General Comment no: 31 (2004), p.193.

۵۳. علی توکلی طبسی، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در پرتو توسعه حقوق بین‌الملل، یاس نی، ۱۳۸۳، صص ۱۶-۱۵.

۵۴. سیدمحمد قاری سیدفاطمی، معاهدات حقوق بشری فضای متفاوت، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ش ۲۸، ۱۳۸۲، ص ۲۶.

55. Obligation to respect

56. Obligation to protect

57. Obligation to fulfill

دیگران از مداخله و در «تعهد به ایفا»، ملزم به انجام اقدامات ضروری در تأمین محتوای حق می‌شود. (۵۸)

بنابراین، دولت‌ها متعهد و ملزم هستند که نه تنها از تعرض به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پرهیز کنند (تعهدات سلبی)، بلکه نسبت به تضمین این حقوق و پیشگیری از عوامل و اقدامات تهدیدکننده آن، اقدام مؤثر به عمل آورند (تعهدات ایجابی) زیرا این تعهدات ناشی از ارائه و توافق دولت‌ها نیست بلکه خواست جامعه انسانی - جهانی است که دولت‌ها به نمایندگی از طرف آن نسبت به تدوین و توسعه آن عمل می‌کنند. این حق‌ها شامل حقوق متنوعی از قبیل حق برخورداری از کرامت انسانی، حق بر تردد و رفت‌وآمد، حق حیات و به‌خصوص حق بر امنیت و توسعه و معیشت پایدار می‌شود.

بی‌تردید، تضمین تحقق این حقوق توسط نهادهای مختلف دولتی به‌نوعی اقدام‌های پیشگیرانه از انحراف و بزهکاری محسوب خواهد شد. (۵۹)

الف) تضمین حق بر امنیت

یکی از حق‌های بشری که ارتباط بسیار عمیقی با تعهدات دولت‌ها در پیشگیری از جرایم جهانی دارد، موضوع حق بر امنیت و برخورداری از نظم است. این حق در ماده ۲۲ و بند ۱ ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر^(۶۰) و بند ۱ ماده ۹ میثاق مدنی سیاسی به رسمیت شناخته شده است. (۶۱)

امروزه علاوه بر تهدیدات سنتی علیه صلح و آرامش و امنیت، شکل جدیدی از تهدیدات مانند جرایم سازمان‌یافته، فساد و ترورسیم نیز ظهور پیدا کرده است، چنانکه دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که هر اندازه قدرتمند باشند به‌تنهایی نمی‌توانند با این تهدیدات مقابله کنند. مبارزه با پدیده‌هایی که قبلاً در صلاحیت انحصاری هر کشوری بود، جز با اتخاذ رویکردی چندجانبه امکان‌پذیر نیست، همچنانکه شخصیت‌های عالی‌رتبه جهان در گزارش خود در مورد تهدیدات، چالش‌ها و تغییرات با عنوان «یک دنیای مطمئن: وظیفه مشترک همه» بیان نموده‌اند: «ارائه پاسخ مؤثر به تهدیدات جدید، مستلزم به‌کارگیری تدابیر مختلف و ترکیب عالمانه آن‌ها در زمان اقدام است». (۶۲)

بر همین اساس به‌نظر می‌رسد موفقیت برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند «اتحادیه اروپایی»، «اتحادیه

۵۸. سیدفاطمی، **حقوق بشر ... پیشین**، صص ۴۷ - ۴۸.

۵۹. علی‌حسین نجفی ایرندآبادی، **پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی**، مجموعه مقالات تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۵۷۵.

۶۰. ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس به‌عنوان عضو اجتماع، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به‌وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه حفظ مقام و رشد آزادانه شخصیت او است با رعایت تشکیلات و منافع هر کشور به‌دست آورد». بند ۱ ماده ۲۸: «هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی، حقوق و آزادی‌های مذکور در این اعلامیه را تأمین می‌کند و آن‌ها را به اجرا می‌گذارد».

۶۱. بند ۱ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد ...».

۶۲. شهرام ابراهیمی، **پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر**، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۰.

کشورهای آسیای جنوب شرقی»^(۶۳) یا حتی «شورای همکاری خلیج فارس» تا حدود زیادی ناشی از ماهیت نظامی آن‌ها و جنبه‌های مشترک امنیتی است که کشورهای عضو را به یکدیگر پیوند داده است. از این رو شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که اساسی‌ترین نیاز همه جوامع انسانی، امنیت باشد. بنابراین، اصلی‌ترین عامل پیوند میان کشورها را می‌توان عامل امنیت برشمرد که طبعاً بستری برای دیگر زمینه‌های همکاری فراهم می‌کند.^(۶۴)

در حقیقت تعهدات دولت‌ها در رعایت برخی اصول و ارزش‌های جهانی مانند صلح و امنیت بین‌المللی و مقررات بنیادین حقوق بشری، برگرفته از الزامات و ضروریات حیات جمعی دولت‌ها است و میزان این تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی نیز به سطح تعاملات اجتماعی آن‌ها بستگی دارد.

مفهوم «انگلیسی» امنیت اجتماع را نیز نباید از نظر دور داشت. این مفهوم به یکی از اهداف اقدام پیشگیرانه یعنی همانا بهبود کیفیت زندگی جوامع اشاره دارد.^(۶۵) اصطلاح نسبتاً جدید «امنیت بشر» که بسیار هم مورد استفاده بوده است بیشتر بر افراد تأکید دارد تا دولت‌ها و مفهوم امنیت را یک خیر عمومی و ضروری و از حق‌های بنیادین فرد می‌داند. با این حال، این امنیت از دایره «حق حیات بدون ترس از جرم» فراتر رفته است و امنیت تصدی یا امنیت در برابر فجایع یا دیگر عوامل اثرگذار بر امنیت فرد، از جمله عوامل اجتماعی یا اقتصادی را نیز شامل می‌شود.^(۶۶)

گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، فصلی را به امنیت انسانی اختصاص داده است. بر اساس این گزارش پس از جنگ سرد، گسترش مفهوم امنیت، ضروری است زیرا در این دوران باید بر «نگرانی‌های زندگی روزمره افراد عادی» تمرکز کرد، نه بر تهدیداتی که مربوط به «حوادث عظیم جهانی» است.^(۶۷)

تعهد دولت‌ها در برقراری امنیت به‌عنوان یک حق بشری، همان‌طور که از مفهوم ماده ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد^(۶۸) برمی‌آید، یک تعهد اساسی و بنیادین است. بنابراین اجرای مقررات بند «پ» ماده ۵۵، یعنی رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه و بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب و سایر اهداف آن که همگی بر امنیت جهانی تکیه دارند، تنها از راه استفاده از قوای قهریه و زور، یعنی پیشگیری

63. ASEAN

۶۴. علی عبدالله‌خانی، **امنیت بین‌الملل: فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران** (۳)، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴، ص ۴۷.

65. International Report on Crime Prevention and Community Safety: Trends and Perspectives (2010), Published by: International Centre for the Prevention of Crime (ICPC), p. 16.

66. Ibid, p. 17.

67. UNDP, Human Development Report, 1990 (Oxford, Oxford University Press, 1990) [HDR 1990] n55 at 22.

۶۸. ماده ۵۵: «باتوجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

(الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه و حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی.

(ب) حل مسائل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آن‌ها و همکاری بین‌المللی، فرهنگی و آموزشی.

(پ) رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب.

– ماده ۵۶: «کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به اهداف مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد، اقدامات فردی یا دسته‌جمعی را به‌عمل آورند».

کیفری میسر نیست، بلکه نیازمند توسل به پیشگیری‌های کنشی و هماهنگ جهانی است. اقدام دولت‌ها در سطح جهانی برای تدوین و توسعه مفهوم و مقررات پیشگیری در اسناد بین‌المللی، نشان از گرایش دولت‌ها به اجرای این تعهد دارد.

مدیرکل وقت یونسکو نیز در سخنرانی خود در همین ارتباط خاطرنشان ساخت: «آرامش پایدار، شرط اولیه اعمال تمام حقوق و تکالیف است». حقوق بین‌الملل نیز حق جمعی ملت‌ها بر آرامش را که مقید به رعایت حقوق فردی است پیش‌بینی کرده است. این حق بر آرامش برای هر دولتی، تعهد و تکلیف بر حفظ نظم همراه با سرکوب مؤثر اقدامات مجرمانه را به همراه دارد. به‌این‌ترتیب، حق بر امنیت باید در چارچوب حمایت‌های بشری تحقق یابد نه به قیمت نادیده‌گرفتن حقوق بشر.

توماس هابز کارویژه اصلی دولت را تأمین امنیت و حفظ آن می‌داند. برقراری این حالت آرامش در سطح ملی و بین‌المللی جز بر مبنای «آزادی، برابری، عدالت و رعایت حقوق بنیادین انسان» در مراحل مختلف تأمین امنیت از طریق پیشگیری و سرکوب ممکن نیست. (۶۹)

(ب) تضمین حق حیات بشری

یکی دیگر از حق‌های بشری که می‌توان بین آن و پیشگیری از جرایم جهانی‌شده، ربط وثیقی برقرار نمود، حق حیات بشری است که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق حقوق مدنی سیاسی مورد تأکید واقع شده است. (۷۰)

کمیته حقوق بشر در تفسیر خود از این ماده بیان کرده است که دولت‌ها مکلف‌اند به‌منظور پیشگیری از اقدامات خشونت‌آمیز و جرایمی که حیات افراد را تهدید می‌کند، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. این تدابیر باید ضمن تقویت آرامش و امنیت، تضمینات لازم را برای حفظ حق زندگی فراهم کند. این کمیته خاطرنشان می‌کند که دولت‌ها نه تنها باید تدابیر لازم را به‌منظور پیشگیری و سرکوب اقدامات مجرمانه‌ای که منجر به سلب حیات می‌شوند اتخاذ کنند، بلکه موظف‌اند نیروهای امنیتی خود را از تهدید خودسرانه افراد منع کنند. دولت‌ها همچنین باید اقدامات لازم و مؤثر را برای پیشگیری از ناپدیدشدن افراد که یکی از موارد سلب خودسرانه حیات افراد است انجام دهند و تدابیر مثبت و ایجابی را اتخاذ کنند. (۷۱)

۶۹. ابراهیمی، پیشین، صص ۸-۷.

۷۰. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».

ماده ۶ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به‌موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد».

۷۱. شهرام ابراهیمی، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، میزان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵. به نقل از: General Comment no: 31 (2004)

ج) حق توسعه و معیشت پایدار

پیشگیری از جرایم، با توسعه و معیشت پایدار^(۷۲) نیز مرتبط است زیرا پیشگیری باید هم نیازهای امروز را در نظر بگیرد و هم نسبت به دغدغه‌های نسل‌های آینده بی‌تفاوت نباشد.^(۷۳) یکی از مهم‌ترین الزامات توسعه پایدار، وجود برنامه‌های پیشگیری از جرم است که عمر آن بسته به عمر یک دولت خاص نباشد و در طول زمان پایدار بماند.^(۷۴)

پیوند این دو حق و تکلیف تحت‌عنوان اصول و راهکارهای پیشگیری مؤثر و پایدار، در رهنمودهای پیشگیری از جرم سازمان ملل بیان شده است.

د) نقض حقوق بشر، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی

اهمیت این تعهدات پیشگیرانه در قبال تضمین حق‌های بشری پیش‌گفته زمانی دوچندان می‌شود که رویکرد جدید سازمان‌های بین‌المللی و ادبیات حاکم بر گفتمان پیشگیری و حقوق بشر با دقت بیشتری مطالعه و بین نقض حق‌های بشری و نقض صلح و امنیت جهانی و ضرورت ایجاد و تعهدات پیشگیرانه، پیوندی برقرار شود.

رویکرد جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد در پیوند دادن نقض حقوق بشر با مسئله صلح و امنیت جهانی و احراز وقوع تهدید علیه صلح و امنیت در جایی که نقض گسترده حقوق بشر صورت می‌گیرد، اندک‌اندک به این سمت می‌رود که وظیفه‌ای جدی برای شورای امنیت در تضمین هرچه بیشتر حقوق بشر مطرح کند. یکی از مهم‌ترین مواردی که ممکن است گاه نادیده گرفته شود پیوند تنگاتنگ رعایت حقوق بشر با مسئله ثبات^(۷۵) و امنیت^(۷۶) در کشورها است.^(۷۷) این موضوع در قطعنامه ۷۹۴ شورای امنیت نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد، به‌نوعی که شورای امنیت، وضعیت جاری در کشور سومالی را «تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» تلقی کرد.^(۷۸)

سازمان ملل نیز تخلف از معیارهای حقوق بشر را به صلح و امنیت جهانی پیوند می‌دهد و وضعیت نامطلوب حقوق بشر را تهدید علیه صلح و امنیت تلقی می‌کند.^(۷۹)

۷۲. مفهوم توسعه پایدار (Sustainable development) مبتنی بر نظرات کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ است. مفهوم معیشت پایدار (Sustainable livelihood) نیز در کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲، در ارتباط با هدف کلی کاهش فقر مطرح شده است.

۷۳. مفهوم نسل سوم حقوق بشر تحت‌عنوان «حقوق همبستگی» (Solidarity Rights) به تحول و توسعه مفهوم حقوق بشر که بر چهار دسته حق تمرکز دارد مربوط می‌شود: حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط زیست و حق بر میراث مشترک بشریت.

۷۴. عبدالرضا جوان جعفری و مهدی سیدزاده ثانی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، میزان، ۱۳۹۱، ص ۵۶.

75. Stability

76. Security

۷۷. سیدفاطمی، حقوق بشر ... پیشین، صص ۲۷ - ۲۸.

۷۸. تاموشات، پیشین، ص ۵۱.

۷۹. پیشین، صص ۵۱ - ۵۲.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حمایت از حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، وجوه مشترکی دارند که این وجه اشتراک، آن‌ها را به تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها برای حفظ امنیت و حقوق بشر رهنمود می‌سازد. همچنین «تعهدات دولت‌ها بر اساس مقررات بین‌المللی بشر، محدودیت مرزی ندارد. قراردادهای بین‌المللی اصلی حقوق بشر، صریحاً تعهدات دولت‌ها را هم به افراد درون قلمرو یک کشور و هم به افرادی که تابع حاکمیت قضایی یک دولت هستند بسط و تعمیم می‌دهد».^(۸۰) بنابراین تعهدات دولت‌ها در احترام، تضمین و ایفای حق‌های بشری و تعهدات آن‌ها در حمایت و پیشگیری از نقض آن‌ها محدود به مرزهای ملی نمی‌شود. بر اساس مقررات بین‌المللی، هر کشور، یک وظیفه کلی دارد و آن اینکه به‌گونه‌ای عمل نماید که موجب آسیب و زیان در خارج از قلمرواش نشود. این دیدگاه به‌طور جدی مورد تأیید قرار گرفته است که چنانچه دولت می‌داند فعالیت‌های شرکت تابعه‌اش موجب آسیب و زیان به کشورها یا مردمان دیگری می‌شود یا خواهد شد، بر طبق این تعهد عمومی، چنانچه قادر به کنترل فعالیت‌های مورد اعتراض هست، باید نسبت به پیشگیری از چنین آسیب و زیانی اقدام نماید.

این مسئولیت حقوق عمومی کشورها با تعهدات آن‌ها بر اساس مقررات بین‌المللی حقوق بشر ارتباط دارد. قواعد و مقررات بین‌المللی حقوق بشر، هر کشور را ملزم به اتخاذ تمهیدات لازم مثلاً از طریق قانونگذاری رویه‌های اجرایی، کنترل، نظارت و پیگرد قانونی می‌نماید. بنابراین وظیفه دولت آن است که هوشیاری و توجه لازم را برای پاسداری از حقوق بشر تمام افرادی که در قلمرواش زندگی می‌کنند به‌کار برد. این تعهد مبنی بر هوشیاری و دقت کافی به‌منظور پیشگیری از فعالیت‌های مغایر با حقوق بشر شرکت‌های تابعه، دارای بعد برون مرزی نیز هست.^(۸۱)

ربط وثیق بین حقوق بشر با پدیده جهانی شدن و ضرورت توجه به پیشگیری و اجرای عدالت کیفری و اولویت آن بر مبارزه با جرم را می‌توان در گفتمان حاکم بر سازمان ملل متحد برای ایجاد «حقوق نرم پیشگیری»^(۸۲) و در عنوان کنگره دوازدهم پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، تحت‌عنوان «راهبردهای جامع برای چالش‌های جهانی پیشگیری از جرم و نظام‌های عدالت کیفری و گسترش آن‌ها در جهانی درحال‌تغییر»^(۸۳) به‌خوبی درک کرد.

دبیرکل سازمان ملل در پیام خود در اختتامیه کنگره دوازدهم تأکید کرد که کنگره، فرصتی جهت تأمین فهم و درک بیشتر وضعیت جرم در جهان و واکنش‌های ضروری عدالت کیفری به چالش‌های مربوطه، فراهم آورده است. وی تمام کشورها را جهت تصویب و اجرای کنوانسیون علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی و ایجاد روشی جهت بازنگری اجرای این سند، بعد از گذشت ده سال از تصویب آن، ترغیب نمود. وی همچنین بر نیاز و ضرورت

80. R. Mecorquodate and S. Penelope, "Responsibility Beyond Border: State Responsibility, Violations by Corporations of International Human Rights Law", 2007, Journal Compilation, Blackwell, p. 602.

81. Ibid, p. 617.

82. Soft prevention law

83. Comprehensive Strategies for Global Challenges: Crime Prevention and Criminal Justice Systems and Their Development in a Changing World.

مطرح کردن پیشگیری از جرم در جریان اصلی کار سازمان ملل و مهم جلوه دادن مسئله حقوق بشر در ابتدای تلاش‌ها، جهت پیشگیری از جرم و مجازات تأکید نمود. (۸۴)

تأکید بر ایجاد و قبول تعهدات پیشگیرانه برای دولت‌ها به منظور پیشگیری از نقض حق‌های بشری با مروری بر دستور کار کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به خوبی قابل‌رویت است. (۸۵) در واقع در کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، بحث حق‌های بشری و لزوم پیشگیری از نقض آن‌ها مطرح می‌شود. علاوه بر موارد مذکور، در اسناد ناظر بر همکاری‌های بین‌المللی نیز بر پیشگیری از پول‌شویی، پیشگیری و سرکوب تروریسم، پیشگیری از فساد مالی و قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اعضای بدن آن‌ها، پیشگیری رشدمدار از جرایم کودکان و نوجوانان و پیوند آن‌ها با جرایم سازمان‌یافته تأکید شده است.

نگاهی به جرایم جهانی از قبیل جرایم تروریستی، پول‌شویی و فساد مالی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و قاچاق اعضای بدن آن‌ها، مؤید این است که همگی کرامت انسانی را هدف قرار داده‌اند. فلسفه وجودی عرف و اسناد بین‌المللی، پیشگیری از جرایم جهانی‌شده است که اگر نگوییم همه، اکثراً در مقام پیشگیری از نقض حق‌های بشری و ایجاد فضایی مناسب جهت زندگی شرافتمندانه جهانی است. بنابراین دولت‌ها در اجرای تعهدات حقوق بشری خود (احترام، حمایت و ایفای حق‌های بشری)، از رهگذر پیشگیری قادرند بخش اعظم تعهدات جهانی خود را مورد حمایت قرار دهند یا به اجرا درآورند.

به عبارت بهتر، «تعهد دولت‌ها به مبارزه با جرم و پیشگیری از آن، در چارچوب منشور بین‌المللی حقوق بشر، معنا پیدا می‌کند». (۸۶)

عقاید کانتی و نظرات مکتب حقوق طبیعی مؤید این نظر است زیرا به نظر آن‌ها انگیزه دولت‌ها از پذیرش تعهدات پیشگیرانه به موجب عرف و معاهدات بین‌المللی، ریشه در حقوق بشر دارد. به عبارتی «رعایت موازین

84. A/CONF.213/18, Eleventh United Nation Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Bangkok, 18 - 25 April 2005, p. 15.

۸۵. ۱) قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان (کنگره اول، ژنو - سوئیس، ۱۹۵۵)
- ۲) سیاست‌های دفاع اجتماعی در رابطه با برنامه‌ریزی توسعه (چهارمین کنگره، کیوتو - ژاپن، ۱۹۷۰).
- ۳) رفتار با بزه‌کاران در بازداشت یا در جامعه با اشاره خاص به اجرای قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان، مصوبه سازمان ملل (کنگره پنجم، ژنو - سوئیس، ۱۹۷۵).
- ۴) قواعد و دستورالعمل‌های سازمان ملل در خصوص عدالت کیفری: از تصویب تا اجرا و مجازات اعدام (کنگره ششم، کاراکاس - ونزوئلا، ۱۹۸۰).
- ۵) چشم‌اندازهای جدید در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و توسعه نقش همکاری‌های بین‌المللی (کنگره ششم، کاراکاس - ونزوئلا، ۱۹۸۰).
- ۶) پیشگیری از جرم، به منظور تضمین آزادی، عدالت، صلح و توسعه به‌عنوان برنامه اصلی کنگره (کنگره هفتم، میلان - ایتالیا، ۱۹۸۵).
- ۷) پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در بستری از توسعه: واقعیت‌ها و چشم‌اندازهایی برای همکاری بین‌المللی (کنگره هشتم، هاوانا - کوبا، ۱۹۹۰).
- ۸) پیشگیری مؤثر از جرم: حفظ صلح همراه با تحولات جدید (کنگره دهم، وین - اتریش، ۲۰۰۰ - ۱۹۹۹).
- ۹) جرایم مالی و اقتصادی: چالش‌هایی برای توسعه پایدار (کنگره یازدهم، بانکوک - تایلند، ۲۰۰۵).
۸۶. ابراهیمی، جرم‌شناسی ... پیشین، ص ۱۵۲.

حقوق بشر در عرصه داخلی و پایبندی دولت‌ها به الزامات جامعه بین‌المللی، شرط عضویت در جامعه بین‌المللی است و همین، منشأ اصلی التزام به حقوق بین‌الملل است؛ به این معنا که رعایت صلح و امنیت مبتنی بر اخلاق و حقوق بشر، مبنای اصلی الزام‌آوردن حقوق بین‌الملل است».^(۸۷)

ما بر این باوریم که جرایم جهانی‌شده، اغلب کرامت انسانی و حق‌های بشری را هدف قرار می‌دهند و از آنجایی که تعهد دولت‌ها بر حفظ و حمایت از کرامت انسانی و حق‌های بشری است، ایفا و اجرای این تعهد، تنها از رهگذر مبارزه کیفری علیه جرم و رعایت تعهدات سلبی به دست نمی‌آید بلکه اجرای تعهدات ایجابی از طریق حرکت به سمت رویکردهای پیشگیری کنشی ممکن می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مبنا و منشأ تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها به‌ویژه تعهدات پیشگیری از جرایم جهانی‌شده (که بخش اعظمی از امنیت بین‌المللی امروز را تضمین می‌کند)، اخلاق، حقوق بشر و عدالت است.

۲-۳. عضویت در جامعه جهانی

به نظر می‌رسد منشأ تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها در قبال جرایم جهانی‌شده را می‌توان در عبارت‌هایی چون: «خیر اجتماعی، دغدغه مشترک جهانی»، «اصل حسن همجواری»، «زندگی جمعی» یافت که همگی تداعی‌کننده عضویت در جامعه بین‌المللی است.

پیشگیری قبل از آنکه تعهد بین‌المللی دولت‌ها محسوب شود، از منظر جامعه جهانی، خیر اجتماعی و تکلیف ذاتی محسوب می‌شود و جامعه جهانی نه از سر وجود تعهد معاهده‌ای بلکه از جهت ذاتی بودن آن به‌عنوان خیر اجتماعی به آن گرایش پیدا کرده است.

اصطلاح زندگی جمعی به این نحو تعریف شده است: «کمال مطلوب برای همزیستی گروه‌های بسیار متفاوت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، یعنی زندگی جاودانه با ثبات و همیشگی در کنار هم که فی‌نفسه مطلوب و پذیرفتنی است، نه به‌خاطر مزایایی که به ارمغان می‌آورد».^(۸۸) به همین خاطر است که در فرانسه ارتباط میان پیشگیری از جرم و همبستگی اجتماعی از همان ابتدای کار پیشگیری، بسیار مهم تلقی می‌شد.^(۸۹)

تمرکز بر پیشگیری مشارکتی بر مبنای خیر اجتماعی و اصل حسن همجواری و دغدغه مشترک جهانی را می‌توان در مشروح مذاکرات کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، کمیسیون پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد و مقررات بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های ناظر بر پیشگیری از جرم ملاحظه کرد.

اصل حسن همجواری، دولت‌ها را از استفاده از سرزمین خود به‌گونه‌ای که به سایر دولت‌ها صدمه وارد آورد باز می‌دارد و اگرچه قبلاً بر روابط دوجانبه مبتنی شده بود، اکنون بر روابط جهانی تکیه دارد.^(۹۰)

بیرنی و بویل، دغدغه مشترک را مفهومی می‌دانند که برای اشاره به تحولات در حوزه مسئولیت‌های جهانی به‌کار می‌رود زیرا دارای خصایص و ویژگی‌های جهانی بوده و برای حمایت از آن‌ها لازم است که دولت‌ها به‌طور

۸۷. فرناندو تسون، *فلسفه حقوق بین‌الملل*، ترجمه محسن محبی، شهر دانش، ۱۳۸۸، ص ۱۳.

88. International Report on Crime Prevention and Community Safety: Trends and Perspectives (2010), above, p. 3.

89. Ibid, p. 5.

۹۰. باربارافن تیگرشتروم، *امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل*، ترجمه اردشیر امیر ارجمند و حمید قنبری، مجد، ۱۳۸۹، صص ۱۰۹-۱۰۸.

مشترک عمل نمایند.^(۹۱) بنابراین دغدغه مشترک در قبال جرایم جهانی شده از جمع بین «مسئولیت مشترک» و «منفعت مشروع» ایجاد شده و نتیجه آن، جهانی سازی پیشگیری است.

۲-۴. امنیت انسانی

از دیرباز معنا و مفهوم امنیت، متأثر از دیدگاه رئالیسم بوده است و معمولاً دولت‌ها به‌عنوان موضوع اصلی امنیت یا تنها موضوع امنیت در نظر گرفته می‌شدند.

دغدغه اصلی امنیت، محافظت از دولت در مقابل تهدیدات نظامی خارجی بوده است. دیدگاه رئالیسم، هم بر تهدیدات نظامی و هم بر قدرت نظامی به‌عنوان ابزاری برای محافظت در برابر این تهدیدات تأکید می‌نماید. در یک نظام هرج و مرج طلب، خودیاری و افزایش قدرت نظامی، کلیدهای امنیت هستند. این دیدگاه که امنیت ملی را همان «حفظ استقلال و خودمختاری دولت در برابر تهدیدات خارجی» می‌داند، در تحلیل مفهوم امنیت، موضع غالب و مسلط را داشته است.^(۹۲)

به‌عبارت‌دیگر، «حقوق جمعی قدیم مبتنی بر امنیت سیاسی بود ولی در حقوق جمعی جدید، امنیت سیاسی تحت‌الشعاع امنیت انسانی قرار می‌گیرد. با تأکید بر امنیت انسانی، برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نه صرفاً به‌مثابه حق آحاد اجتماع، بلکه تکلیفی فرض می‌شود که در چارچوب نوعی اداره امور مرسوم به حکمرانی مطلوب،^(۹۳) آداب خاص خود را می‌طلبد.^(۹۴)

منتقدان این مفهوم از امنیت «در مراحل اولیه در پی توسعه مفهوم امنیت و خصوصاً توسعه طیف تهدیدات مربوط به امنیت ملی بودند. این رهیافت در محدودترین معنای خود به معنای در نظر گرفتن محیط‌زیست، منابع، حقوق بشر و سایر عوامل است که می‌تواند منجر به بروز اختلاف شود. مفاهیمی مانند «امنیت دسته‌جمعی» و «امنیت مشترک»، تقریرهایی از مفهوم سنتی دولت است و به وسایل دستیابی به امنیت اشاره دارد.

امنیت دسته‌جمعی که در منشور سازمان ملل متحد به آن اشاره شده است، هم از نظر تهدیداتی که مدنظر قرار می‌دهد و هم از منظر ابزارهایی که برای مقابله با آن تهدیدات پیشنهاد می‌دهد، در عرصه نظامی باقی مانده است.^(۹۵) با وجود این، ارتباط بین اهداف ملحوظ در منشور، در یک فرایند تاریخی به‌گونه‌ای رقم خورده است که مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی معطوف به «جنگ» در روابط بین دولت‌ها چنان دگرگونی بنیادین شده است که ورای جنگ و صلح سنتی بین دولت‌ها، به صلح و امنیت بشری رهنمون و در سال‌های اخیر در داخل کشورها جستجو می‌شود.^(۹۶)

تلاش‌های بسیاری در زمینه بازاندیشی مفهوم امنیت، از مفهوم ملی - نظامی، به مفهوم جهانی - انسانی

۹۱. همان، صص ۱۱۲-۱۱۱.

۹۲. همان، صص ۱۳-۱۱.

93. Good governance

۹۴. تاموشات، پیشین، ص ۶۶.

۹۵. تیگرشتروم، پیشین، صص ۱۵-۱۴.

۹۶. تاموشات، پیشین، ص ۳۹.

صورت گرفته است. در این مفهوم یقیناً دولت به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت مورد نظر است و نه موضوع امنیت. بنابراین باید تهدیدات بیشتری علیه امنیت انسانی و همچنین راهکارهای متنوع‌تری برای برقراری و حفظ آن در نظر گرفت.

مفهوم واقعی امنیت انسانی و ارتباط آن با مباحث پیشگیری را می‌توان در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ (فصل مربوط به امنیت) به‌خوبی درک کرد. بر اساس این گزارش: «... پس از جنگ سرد، ما نیازمند آن هستیم که مفهوم امنیت را بسط دهیم زیرا در این دوران باید بر نگرانی‌های «زندگی روزمره افراد عادی» تمرکز کنیم و نه بر تهدیداتی که مربوط به «حوادث عظیم جهانی» هستند» (۹۷).

دکترین «امنیت انسانی» (۹۸) تقریباً هم‌زمان با بانک جهانی که مفهوم حکمرانی مطلوب را ارائه داد، توسط «برنامه توسعه ملل متحد» (۹۹) تدوین شد. برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۳ در گزارش خود تأکید کرد که فرد انسانی باید در مرکز و بطن امور بین‌المللی قرار گیرد. در گزارش سال ۱۹۹۴ به هفت مؤلفه امنیت انسانی اشاره شده است که عبارت‌اند از: امنیت اقتصادی (رهایی از فقر)، امنیت غذایی (دسترسی به غذا)، امنیت بهداشتی (دسترسی به مراقبت بهداشتی و حمایت از بیماران)، امنیت زیست‌محیطی (حمایت در برابر آلودگی‌ها)، امنیت شخصی (حمایت فیزیکی در برابر شکنجه، جنگ و حملات جنایی) امنیت اجتماعی (بقای فرهنگ‌های سنتی) و امنیت سیاسی (آزادی و رهایی از سرکوب). (۱۰۰)

پذیرش دکترین «امنیت انسانی» همانند حق‌های بشری مستلزم تعهد دولت‌ها به «احترام»، «حمایت» و «ایفا» است. تضمین این مؤلفه‌ها تنها از رهگذر مبارزه میسر نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر، دو نوع راهکار در برابر جرایم جهانی شده و سایر تهدیدات علیه امنیت انسانی قابل‌پیش‌بینی است: یکی پیشگیری و دیگری سرکوبی.

بنابراین مفهوم امنیت از دو طریق مهم در حال تحول است: نخستین تحول این است که تأکید بر امنیت سرزمینی به تأکید بر امنیت افراد مبدل شده و دومین تحول این است که برقراری امنیت از طریق تسلیحات، جای خود را به برقراری امنیت از طریق توسعه پایدار انسانی داده است. بر اساس گزارش توسعه انسانی، امنیت انسانی عبارت است از «توانایی افراد انسانی برای اعمال ایمن و آزادانه انتخاب‌های خود به‌نحوی که این اطمینان نسبی را داشته باشند که فرصت‌هایی که امروز در اختیار آن‌ها است، فرداً کاملاً از دست نخواهد رفت». (۱۰۱)

در مقایسه این دو (امنیت انسانی - توسعه انسانی) می‌توان گفت که امنیت انسانی بر مراقبت و حفاظت در مقابل تهدیدات و خطرات و کاهش آسیب‌پذیری‌های انسانی تمرکز دارد، درحالی‌که توسعه انسانی بر ارتقای قابلیت‌ها و فرصت‌ها تأکید می‌کند.

برخی، تهدیدات امنیت انسانی را به «منابع قابل‌پیشگیری خسارت و صدمات محدود کرده‌اند. این امر صحیح و منطقی است چرا که امنیت انسانی در رابطه با حفاظت در مقابل تهدیدات است و اگر تهدیدی وجود داشته باشد

که قابل پیشگیری نباشد، حفاظت در مقابل آن معنا ندارد»^(۱۰۲) بنابراین، در رهیافت امنیت انسانی، تمرکز اصلی روی تعیین و پیشگیری یا کاهش منابع تهدید امنیت افراد از طریق اقدامات دسته‌جمعی است.^(۱۰۳)

به همین منظور موضوع امنیت انسانی، توسط سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده و حتی موضوع تحولات اساسی در حقوق بین‌الملل بوده است. نگاهی به عهدنامه‌های بین‌المللی در مورد جرایمی مانند فساد، پول‌شویی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان همگی مؤید این است که تهدیدی عظیم، امنیت انسانی را هدف قرار داده و جهان قادر است از رهگذر پیشگیری، بخش زیادی از آن را کنترل کند.

در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ (فصل امنیت انسانی)، چهار خصیصه اصلی برای امنیت انسانی بیان شده است (که یکی از آن‌ها پیشگیری است):

۱) دغدغه‌ای جهانی است و به همه اشخاص در همه جا مربوط می‌شود.

۲) عناصرش به هم پیوسته است و تهدید آن در قسمتی از جهان، تهدید آن در سایر جهان است.

۳) پیشگیری کنشی (پیشگیری غیرکیفری) از تهدید امنیت انسانی از مداخله بعدی برای برقرارساختن آن

آسان‌تر است.

۴) فردمحور است.^(۱۰۴)

بر این اساس می‌توان اظهارنظر کرد که امنیت انسانی می‌تواند به‌عنوان مبنای نظری تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها از جرایم جهانی شده تلقی شود.

۵. جهانی شدن جرم، جهانی سازی پیشگیری

امروزه ناگزیر باید یک واقعیت را پذیرفت و آن، بین‌المللی شدن روزافزون (امور) در اثر توسعه اقتصاد بازار و استقرار شبکه‌های جهانی ارتباطات در دنیا است. این واقعه جدید که معمولاً جهانی شدن توصیف می‌شود باید ما را به تلاش برای مطالعه همبستگی‌های معنادار احتمالی بین پدیده‌های اقتصادی، فناورانه با تحولات نوین بزهکاری وادارد. بنابراین یک نظم نوین بین‌المللی، تحت تأثیر تغییر و تحولات اقتصاد و فناوری در حال ظهور است.^(۱۰۵)

به‌عبارت‌دیگر، نظام ژئوپلیتیک جهانی از عناصر گوناگون تشکیل شده است. این اجزا در یک ترکیب مداوم پیوسته و وابسته به هم، شکل ویژه‌ای از روابط متقابل را می‌آفرینند که به‌منزله هویت ویژه آن نظام معرفی می‌شوند. این اجزا به شیوه‌های منظم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و میان آن‌ها رابطه منظم و پایداری برقرار است که حکایت از وجود دو ویژگی توأم یعنی وابستگی متقابل و کنش متقابل دارد.^(۱۰۶)

بین‌المللی شدن جهان و باز شدن مرزها، فرصت‌های نوینی برای بزهکاری ایجاد کرده است. متنوع شدن فعالیت‌های مرتکبان جرایم جهانی شده در سودآورترین بخش‌ها، پیچیدگی روش‌های اقدام آنان را به دنبال دارد.

۱۰۲. همان، ص ۴۶.

۱۰۳. همان، ص ۶۴.

۱۰۴. همان، ص ۲۳.

۱۰۵. جُرج پیکا، جرم‌شناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳.

۱۰۶. بی‌نام، کتاب امنیت بین‌الملل، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴، ص ۲۷.

این امر به نوبه خود، روش‌های جدیدی را برای کنترل بزهکاری ایجاد می‌کند. در طول دو دهه گذشته، توجه روزافزونی به ارزیابی اقدامات خاص پیشگیری از بزهکاری و رسیدگی بهتر به مسائل بزه‌دیدگان شده است. با وجود این، بسیاری پرسش‌ها همچنان بی‌پاسخ مانده است مانند این سؤال که جهانی شدن مبادلات بازرگانی، تا چه میزان زمینه ارتکاب بعضی اشکال بزهکاری را مساعد کرده است؟ این پرسش و پرسش‌های دیگر، در واقع ضرورت انطباق راهبردهای پژوهش و سیاست‌های پیشگیری را با مسائل (جنایی) آینده یادآوری می‌کند.^(۱۰۷)

بدین‌سان، بزهکاری، به دنبال تحول جوامعی که از نظر اقتصادی توسعه یافته‌اند، مراحل سنتی و محلی (حتی ملی) را پشت‌سر گذاشته و جهانی شده است.^(۱۰۸) به عبارت دیگر، «جریان‌های جهانی از مرزهای ملی عبور کرده‌اند. یکی از ابعاد مهم جهانی‌شدن، تحول زمان و مکان از طریق فرایند تراکم زمانی - مکانی است.^(۱۰۹) این به اصطلاح به تسخیر انسان درآمدن «زمان و مکان»، زمینه‌های ارتکاب جرایم را به خوبی مهیا کرده و نوع جدیدی از جرایم تحت‌عنوان جرایم جهانی شده را به وجود آورده است که نیازمند جهانی‌سازی پیشگیری از این جرایم است.

ظرفیت یک دولت در پیشگیری و سرکوب جرم فراملی (جهانی‌شده) تا اندازه‌ای به این بستگی دارد که هنجارهای حقوق جزایی با هنجارهای سایر دول منطبق یا متفاوت باشد. اینکه کشوری قانونمند، کشور دیگری را مجرم می‌داند، مانع اصلی برای کنترل جرایم بین‌المللی است. برای نمونه، در اواسط قرن ۱۹، تلاش دولت‌های بریتانیایی برای حذف تجارت برده در آن سوی اقیانوس اطلس به خاطر قانونی‌بودن برده‌داری در کوبا، برزیل و آمریکا تضعیف شد. در طول دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ نیز تلاش‌های آمریکا برای محروم کردن جریان‌های نامشروع و غیرقانونی مشروبات الکلی با این حقیقت که بیشتر دول خارجی، شور و اشتیاقی برای ممنوعیت الکل نداشتند روبه‌رو و تضعیف شد. همچنین، قابلیت اعمال ممنوعیت جهانی مواد مخدر به علت پویایی بازار غیرقانونی و راحتی قاچاق کالاها فشرده، بادوام و سودآور، مختل شده است.^(۱۱۰)

اما امروزه، حداقل در مورد جرایم جهانی‌شده، تحت‌تأثیر اجماع جهانی با ایجاد تعهداتی برای دولت‌ها به منظور جرم‌انگاری، پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیری و اجرای برنامه‌های بین‌الدولی بر اساس همکاری‌های بین‌المللی دیده می‌شود. بنابراین می‌توان مدعی شد که جرایم جهانی‌شده از دو منظر جهانی شده است، یکی از منظر دولت‌ها، به این جهت که این جرایم در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی جرم‌انگاری شده است و دیگری از منظر مرتکبان این جرایم و آن هم به این جهت که اولاً ارتکاب این جرایم از سطح ملی به صورت فزاینده‌ای به سطح بین‌المللی گسترش یافته است و مجرمان در جای‌جای جهان با حذف مرزهای سیاسی مرتکب این جرایم می‌شوند. ثانیاً مرتکبان این جرایم به خوبی می‌دانند که دولت‌ها به تنهایی قادر به پیشگیری از این جرایم نیستند. به دنبال جهانی‌شدن جرم، جهانی‌سازی پیشگیری، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر شناخته شده است. به همین دلیل است که جامعه جهانی ناچار است به جهانی‌سازی پیشگیری از جرایم جهانی شده بپردازد.

۱۰۷. پیکا، پیشین، صص ۱۰۳-۱۰۴.

۱۰۸. همان، ص ۲۲.

۱۰۹. کاتیا فرانکو آس، جهانی‌سازی و جرم، ترجمه یوسف بابایی و اصلی عباسی، مجد، ۱۳۹۰، صص ۲۶-۲۵.

110. P. Andreas and E. Nadelmann, op.cit., p. 227.

بیشتر مؤلفه‌هایی که جهانی‌سازی جرم را تسهیل می‌سازند، جهانی‌سازی کنترل جرم را نیز تسهیل می‌کنند. بنابراین جهانی‌سازی، هم دولت را با چالش مواجه می‌کند و هم آن را قدرتمند می‌سازد.^(۱۱۱) بررسی بین‌المللی‌سازی کنترل جرم حاکی از آن است که دولت در مقابل تعاملات گسترده‌تر فراملی عقب‌نشینی نمی‌کند و از بین نمی‌رود و در مقابل، همان‌گونه که *ولفرام هانریدر*^(۱۱۲) در چند دهه پیش مطرح کرد: «این دقیقاً داخلی کردن سیاست بین‌المللی است که قدرت و نیروی دولت ملی را حفظ می‌کند».^(۱۱۳)

جبهه جدید جرایم جهانی‌شده یا در حال جهانی‌شدن، طبیعتاً توسط تغییرات فناوری مثل فضای سایبر تعریف می‌شود که جز با تعریف پیشگیری کنشی بین‌المللی، دولت‌ها در سطح ملی قادر به کنترل آسیب‌های آن نیستند.^(۱۱۴) به همین دلیل است که این جرایم انگیزه‌های بسیاری برای همکاری‌های چندجانبه و بی‌سابقه در طول تاریخ کنترل جرم، بین دولت‌ها و ملت‌ها ایجاد کرده است. به‌عنوان نمونه «درجه همگرایی در سیاست‌های کنترل جرم و شدت همکاری کشورها میان نظام‌های عدالت کیفری در اروپای امروز، برای همه چشمگیر است. بین‌المللی‌سازی امور پلیسی (به‌منظور پیشگیری و مبارزه با جرایم جهانی‌شده) از سوی کشورهای اروپایی بسیار جدی است».^(۱۱۵)

از سوی دیگر، اجرای احکام و قوانین کیفری گذشته نیز اغلب مربوط به مواردی می‌شد که امروزه دیگر در اولویت کار پلیس نیست. به‌عنوان نمونه در گذشته پلیس آمریکا درگیر پیشگیری از واردات مشروبات الکلی بود اما امروز بخش عمده‌ای از این فعالیت‌ها به مبارزه و برخورد با جرایمی از قبیل پول‌شویی و سایر جرایم جهانی‌شده تخصیص داده شده است.^(۱۱۶) در جامعه جهانی‌شده، دیگر توسل به واژه‌های کهنه و پوسیده حاکمیت ملی و منافع دولتی نمی‌تواند توجیهی برای نادیده گرفتن هنجارها، قواعد و اصول پذیرفته‌شده جهانی باشد. جهانی‌سازی در اصل، تکلیفی برای دولت‌ها محسوب می‌شود، بنابراین درست است که منافع جهانی‌سازی به انبای بشری برمی‌گردد ولی این پدیده و الزامات ناشی از آن، عملکرد و حوزه اقتدار دولت‌ها و حاکمیت‌ها را نیز دربر گرفته است.^(۱۱۷)

دستیابی به ایمنی همیشگی در زندگی روزمره، یکی از اهداف توسعه هزاره سازمان ملل^(۱۱۸) به حساب می‌آید. در این سند، کاهش فقر و گرسنگی، مرگ و میر کودکان، ایدز و سایر بیماری‌ها و نیز ارتقای سطح آموزش، برابری جنسیتی، سلامت و توسعه محیطی تا سال ۲۰۱۵ لحاظ گردیده است و بر لزوم دستیابی به امنیت و آرامش همیشگی برای شکوفایی جامعه مدنی، اشتغال و تولید کاری تأکید شده است.^(۱۱۹)

111. Ibid, p. 248.

112. Wolfram Hanreider

113. Ibid, p. 250.

114. Ibid, p. 229.

115. Ibid, p. 237.

116. Ibid, p. vii.

۱۱۷. فریدون جعفری، *دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی‌سازی حقوق کیفری*، میزان، ۱۳۹۰، ص ۳۶.

۱۱۸. اهداف توسعه هزاره سازمان ملل مصوب ۸ سپتامبر ۲۰۰۰ مندرج در قطعنامه ۵۵/۲.

119. UN Habitat (2009), "Cross — Cutting Issues, Crime Prevention Assessment Tool", United Nations Publication hs/1232/09E, New York, p. 4.

اولین اصل از اعلامیه اصول و برنامه‌های اقدام سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری^(۱۲۰) نیز بیان می‌دارد:

«ما از اینکه دنیا دستخوش تحولات مهمی است که منجر به فضای سیاسی آماده برای دموکراسی، همکاری بین‌المللی و اعمال گسترده حقوق بشر و آزادی بنیادین و تحقق آرمان تمام ملت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی و آسایش و رفاه اجتماعی شده است، آگاهیم اما علی‌رغم این پیشرفت‌ها دنیای معاصر در معرض خطر خشونت و اشکال جدید بزهکاری است. این پدیده هر کجا که ایجاد شود حاکمیت قانون را تهدید خواهد کرد». همچنین در بند ۷ این اعلامیه، بر این نکته تأکید شده است که دموکراسی و کیفیت زندگی، فقط در فضای صلح و آرامش و امنیت همگان شکوفا می‌شود. بزهکاری تهدیدی جدی علیه ثبات و امنیت محیط است و پیشگیری از جرم و عدالت کیفری مبتنی بر رعایت حقوق بشر به‌طور مستقیم به حفظ صلح و آرامش و امنیت منتهی خواهد شد.^(۱۲۱) بنابراین، برای مقابله با جرمی که به‌شدت در حال جهانی شدن است، اتخاذ پاسخی جهانی ضروری است، پاسخی که تا حد زیادی در قالب کنوانسیون سال ۲۰۰۰ ملل متحد علیه بزهکاری سازمان‌یافته فراملی (موسوم به کنوانسیون پالمو) تحقق یافته است.^(۱۲۲)

نتیجه

جهانی‌شدن، فرایند افزایش ارتباطات بین جوامع است، به‌گونه‌ای که وقایع و تحولات یک گوشه از جهان به‌طور فزاینده‌ای بر کل جهان تأثیر می‌گذارد. یکی از موضوعاتی که در این فرایند، دستخوش تغییر و تحول شده و شکل و ماهیت آن دگرگون شده، جرم است که یا به شکل جرایم نوظهور متجلی شده یا اینکه با تغییر در مفهوم، محتوا و قلمرو در شکل‌های کاملاً متفاوتی ظاهر شده است مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، پول‌شویی، فساد مالی و تروریسم که بنا به گفتمان حاکم بر جامعه جهانی امروزه بیش از هر عامل دیگری صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کنند.

باغنایت به اینکه مرجع قانونگذاری برتری در عرصه حقوق بین‌الملل وجود ندارد و حقوق بین‌الملل، حقوق همکاری و همبستگی است و نه انقیاد و تبعیت،^(۱۲۳) دولت‌ها با پذیرش تعهدات معاهده‌ای و عرفی پیشگیرانه تلاش کرده‌اند تا نسبت به مهار این جرایم اقدام نمایند. میزان گرایش و تمایل دولت‌ها به ایفای هر تعهد بین‌المللی به‌ویژه تعهدات پیشگیرانه، بستگی به میزان شناخت از مبانی آن تعهدات دارد زیرا عضویت در جامعه جهانی مستلزم احترام و تضمین نیازهای جامعه جهانی در کل است؛ به این معنا که تداوم و استمرار زیست جهانی جز با ایجاد تعهدات بین‌المللی دولت‌ها ممکن نمی‌شود. بنابراین دولت‌ها با توسل به خرد جمعی، کاملاً عاقلانه نسبت به پذیرش تعهدات پیشگیری از جرایم جهانی شده مبادرت می‌ورزند. مینا و منشأ این تعهدات را می‌توان در تغییر بنیادین در مفهوم امنیت بین‌المللی و برون‌رفت آن از مفهوم نظامی به مفهوم امنیت انسانی و نیاز مبرم

۱۲۰. این اعلامیه طی قطعنامه ۴۶/۱۵۲ در دسامبر ۱۹۹۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است.

۱۲۱. ابراهیمی، «کنگره‌های پنج سالانه ... پیشین، ص ۲۷۰.

۱۲۲. شهلا معظمی، جرم سازمان‌یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، دادگستر، ۱۳۸۴، ص ۱۴.

۱۲۳. تسون، فرناندو، پیشین، ص ۱۲.

انسان‌ها به مراقبت در مقابل اشکال نوین تهدیدات بین‌المللی دید. تضمین حق‌های بشری، عمدتاً از رهگذر ایفای تعهدات پیشگیرانه می‌شود که اتفاقاً اجماع قابل‌قبولی مبنی بر مینا و منشأبودن آن‌ها برای پیشگیری از جرایم جهانی‌شده وجود دارد. بنابراین، دولت‌ها متعهد و ملزم هستند که نه تنها از تعرض به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پرهیز کنند (تعهدات سلبی) بلکه نسبت به تضمین این حقوق و پیشگیری از عوامل و اقدامات تهدیدکننده آن، اقدام مؤثر به‌عمل آورند (تعهدات ایجابی) زیرا تعهدات ایجادشده ناشی از اراده و توافق دولت‌ها نیست بلکه خواست جامعه انسانی - جهانی است که دولت‌ها به نمایندگی آن‌ها نسبت به تدوین و توسعه آن عمل کرده‌اند. این حقوق متنوع است و از حق برخورداری از کرامت انسانی تا حق بر تردد و رفت‌وآمد، حق حیات و به‌خصوص حق بر امنیت و توسعه و معیشت پایدار را در بر می‌گیرد.

همچنین، تحت‌تأثیر جهانی‌شدن جرم است که با جلوه‌های نوینی از تعهدات دولت‌ها مانند جرم‌انگاری، پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیرانه و اجرای برنامه‌های بین‌الدولی بر اساس همکاری‌های بین‌المللی برای پیشگیری کیفری و غیرکیفری از جرایم جهانی‌شده مواجه شده‌ایم. بنابراین، به‌دنبال جهانی‌شدن جرم، جهانی‌سازی پیشگیری یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر شناخته شده است. به همین دلیل است که جامعه جهانی ناچار است تحت‌تأثیر مبانی بیان‌شده به جهانی‌سازی پیشگیری از جرایم جهانی‌شده بپردازد. بنابراین هر چند جهانی‌شدن جرم در جامعه جهانی به نظر غیرارادی بوده است، با وجود مبنای سیاسی، حقوق بشری، حقوقی، انسانی و جرم‌شناختی پیشگیری از جرایم جهانی‌شده، امکان ایفای هر چه بیشتر و بهتر این تعهدات در لوای هماهنگ‌سازی سیاست جنایی کشورها با یکدیگر و تمرکز بر جهانی‌سازی پیشگیری وجود دارد.

- ابراهیمی، شهرام، اصول راهبردی سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم، مجله تعالی حقوقی، ش ۵، ۱۳۸۵.
- ابراهیمی، شهرام، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، میزان، ۱۳۹۱.
- ابراهیمی، شهرام، کنگره‌های پنج سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری - دستاوردها و دورنماها، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، ش ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴.
- احمدی، احمد، جهانی‌شدن جرم و تغییر استراتژی نظام‌های حقوق کیفری ملی، **دائرةالمعارف علوم جنایی** (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، کتاب دوم)، میزان، ۱۳۹۲.
- بی‌نام، **کتاب امنیت بین‌الملل**، نشر مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴.
- پیکا، جُرج، **جرم‌شناسی**، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، میزان، ۱۳۸۹.
- تاموشات، کریستیان، **حقوق بشر**، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، میزان، ۱۳۸۶.
- تسون، فرناندو، **فلسفه حقوق بین‌الملل**، ترجمه محسن محبی، شهر دانش، ۱۳۸۸.
- توکلی طبسی، علی **حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در پرتو توسعه حقوق بین‌الملل**، یاس نبی، ۱۳۸۳.
- تیگرشتروم، باربارافن، **امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل**، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، مجد، ۱۳۸۹.
- جعفری، فریدون، **دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی‌سازی حقوق کیفری**، میزان، ۱۳۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمینولوژی حقوق**، گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۷۴.
- حسینی اکبرنژاد، حوریه، **اجرای فراسرزیمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر**، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۶، ۱۳۸۸.
- رستم زاد، حسینقلی، **جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی "erga omnes"**، مجله حقوقی، ش ۳۳، ۱۳۹۴.
- **رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم**، ترجمه عبدالرضا جوان جعفری، و مهدی سیدزاده ثانی، نشر میزان، ۱۳۹۱.
- سیدفاطمی، سیدمحمد قاری، **حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر یکم، درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع**، شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- سیدفاطمی، سیدمحمد قاری، **معاهدات حقوق بشری: فضای متفاوت**، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ش ۲۸، ۱۳۸۲.

- عبداله‌خانی، علی، امنیت بین‌الملل؛ فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۳)، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴.
- فرانکو آس، کاتیا، جهانی‌سازی و جرم، ترجمه یوسف بابایی و اصلی عباسی، مجد، ۱۳۹۰.
- ماری، پی‌یر دوپویی، ملاحظاتی پیرامون جرم بین‌المللی دولت، مجله حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه پاریس ۲، ترجمه و تلخیص: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، ش ۱۳، ۱۳۶۹.
- معظمی، شهلا، جرم سازمان‌یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، دادگستر، ۱۳۸۴.
- ناجی‌راد، محمدعلی، جهانی‌شدن تروریسم، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی، مجموعه مقالات تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی جهانی‌شدن جرم، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، قابل دسترسی در سایت: آزمون آن لاین (lawtest.ir)، ۱۳۹۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ویژه، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)، ویراست هفتم، به کوشش شهرام ابراهیمی، قابل دسترسی در سایت: آزمون آن لاین (lawtest.ir)، ۱۳۸۷.
- والاس، ربکا، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، نشر شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

(۲) لاتین

- Andreas, P. and Nadelmann E. (2006), "Policing The Globe, Criminalization and Crime in International Relations", Oxford University Press, New York.
- Brownlie, I. (1998), "Principles of Public International Law", Clarendon Press, Oxford.
- Eleventh United Nation Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Bangkok, 18 - 25 April 2005. A/CONF.213/18.
- Forbord, N. and Davor, G. (2005), "Igor, For Sale: Women and Children", Trafford Publishing.
- General Comment no: 31 (2004).
- International Report on Crime Prevention and Community Safety: Trends and Perspectives (2010), Published by: International Centre for the Prevention of Crime (ICPC).
- Janusz, B. Democracy, Economy and Security, www.csis.org/ee/research.
- Mecorquodate, R. and Penelope S. (2007), "Responsibility Beyond Border: State

Responsibility, Violations by Corporations of International Human Rights Law”, Journal Compilation, Blackwell.

- Rotman, E. (2001), “The Globalization of Criminal Violence”, *Cornell Journal of Law and Public Policy*.
- UN Economic and Social Council, Commission on Crime Prevention and Criminal Justice, Report of the Executive Director on Work of the CICIP, Vienna, 16 - 25 April 2002.
- UN Habitat (2009), Cross - Cutting Issues, Crime Prevention Assessment Tool, United Nations Publication hs/1232/09E, New York.
- UNDP, Human Development Report, 1990 (*Oxford: Oxford University Press*, 1990) [HDR 1990] n55 at 22.
- United Nations Commission on Crime Prevention and Criminal Justice Report on the Twentieth Session 3 December 2010 and 11 - 15 April 2011) no: 20, 2010 - 2011.